

به بهانه سالگرد درگذشت زنده یاد دکتر حسین عظیمی

## همگرایی در اندیشه‌های توسعه

«نگرشی تحلیلی و تطبیقی به اندیشه‌های آمارتیا سن و حسین عظیمی»

دکتر وحید محمودی\*

اشکال پیچیده‌تر رسید، عواملی چون فرهنگ، توسعه انسانی و آموزش، توسعه سیاسی و ساختار سیاسی حکومت و... نیز به عوامل اقتصادی توسعه نیافتگی افزوده شد و این بار نظریه پردازان توسعه کوشیدند که با توجه به همه جهات دیدگاهها و الگوهای خود را عرضه کنند. گذشته از زاویه دیدگاهها و جایگاه و ارزشی که هر يك از این دیدگاهها برای هر کدام از عوامل و ابعاد توسعه قائل است، می‌توان گفت که رویکردهای تازه، به جنبه‌های گوناگون توسعه یعنی رشد و امکانات اقتصادی، توسعه انسانی، آزادیهای سیاسی و مدنی، نقش دولت و حمایت‌های اجتماعی، فرهنگ و... توجه کرده و از این رو گونه‌ای همگرایی در آنها دیده می‌شود.

\*\*\*

در دوران معاصر، در زمینه توسعه می‌توان به همسانیهای بسیار میان دیدگاههای پروفیسور آمارتیا سن اقتصاددان برجسته هندی و برنده جایزه نوبل اقتصاد در ۱۹۹۸ و زنده یاد استاد حسین عظیمی اقتصاددان نامدار ایران اشاره کرد. درست است که دکتر عظیمی چندان مجال ارائه دیدگاههای خود را در محافل علمی بین‌المللی پیدا نکرد، اما بی‌گمان مباحث و دیدگاههای او در اندازه بین‌المللی و در

### ۱- مقدمه:

با نگاهی به دیدگاهها و ثوریهها در زمینه توسعه در دورانی که از عمر مباحث آکادمیک مربوط به اقتصاد توسعه می‌گذرد، به نظر می‌رسد که سیر تکوین دیدگاهها و اندیشه‌های توسعه به گونه‌ای بوده است که نوعی همگرایی در آنها دیده می‌شود.

در بررسی این دیدگاهها هر چه به عقب بازمی‌گردیم تفاوت‌های فاحش رویکردهای متعارض و گاهی یکسره متضاد، دیده می‌شود. برخی از صاحب نظران، عوامل توسعه نیافتگی را بیرون از مرزها و در چارچوب نظریه وابستگی می‌دیدند و برای آن تنها دلایل اقتصادی قائل بودند و رویکردهای درون‌نگر و محدودی برای توسعه تجویز می‌کردند و برخی دیگر از اندیشمندان، علل توسعه نیافتگی را در ضعف متغیرهای اقتصادی داخلی مانند پس‌انداز و تشکیل سرمایه می‌دیدند و اقتصاد بسته را عامل آن می‌پنداشتند و لذا رویکردهایی یکسره متضاد با دسته نخست پیشنهاد می‌کردند. تا هنگامی که تعریف توسعه و ریشه‌های توسعه نیافتگی (به علت تجربیات ناموفق در نمونه‌های فراوان) از شکل‌های ساده آغازین به

### نمودار (۱) - ویژگیهای مشترک سن و عظیمی

- هر دو در بستر فرهنگ آسیایی بزرگ شده‌اند.  
 - هر دو در زندگی شخصی تنگدستی و محرومیت را با همه وجود لمس کرده‌اند.  
 - هر دو در حوزه فقر و نابرابری کار شناسند.  
 - همواره در بیان دیدگاههای خود اصول گرا و در همان حال منتقدانی منصف بوده‌اند.

زمینه توسعه، تازه است. دکتر عظیمی را می‌توان در مقیاس بین‌المللی در دسته اقتصاددانان انسان‌گرا (گروه UNDP) همچون آمار تیا سن، محبوب‌الحق، سودهیر آناندو... قرار داد. در این نوشتار کوتاه تلاش می‌شود به ویژگیها و دیدگاههای مشترک و نیز تفاوت دیدگاههای این دو اقتصاددان بپردازیم.

### ۲- ویژگیهای مشترک

#### آمار تیا سن و حسین عظیمی

در زمینه آموزش و پرورش، نقش محیط در شکل‌گیری شخصیت پذیرفته شده است. نخستین ویژگی مشترک سن و عظیمی این است که هر دو در بستر فرهنگ آسیایی بزرگ شده‌اند و در پرتو شناخت ژرفتر و عینی‌ترشان از ویژگیهای این فرهنگ، دیدگاههای آنان درباره توسعه این گونه کشورها بهتر می‌تواند کاربرد داشته باشد.

دومین ویژگی مشترک این دو اندیشمند این است که هر دو تنگدستی و محرومیت را در زندگی شخصی تجربه کرده‌اند. چنان که در مقدمه [مترجم] بر کتاب توسعه به مثابه آزادی آمده است، در کنار برجستگی علمی و دیگر توانمندیهای آمار تیا سن، یکی از ویژگیهایی که او را از دیگر اقتصاددانان در حوزه فقر و رفاه اجتماعی متمایز می‌سازد این است که او خود در جامعه‌ای آکنده از تنگدستی و نابرابری زاده شده و با همه وجود نداری و محرومیت را لمس کرده است و همین، باعث شده است که شناخت بهتری از مفاهیمی چون فقر و عدالت اجتماعی داشته باشد. همین شرایط را دکتر عظیمی نیز داشت؛ او زاده کویر بود و در سراسر زندگی تنگدستی را سخت آزموده بود.

سومین ویژگی مشترک آنان این است که گذشته از اینکه در زندگی شخصی و محیط اجتماعی، فقر پدیده‌ای ملموس برای آنها بوده، هر دو کارشناس در حوزه فقر و نابرابری نیز بوده‌اند.

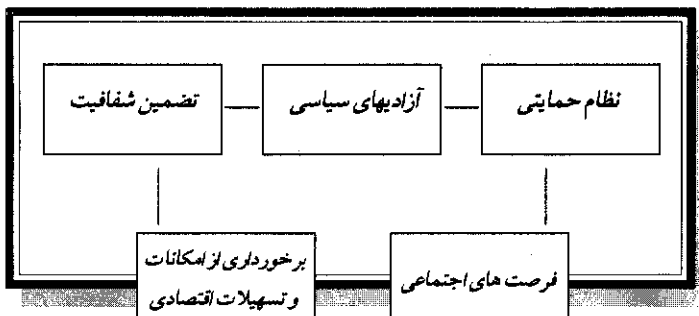
چهارمین ویژگی مشترک این دو اقتصاددان، اصول‌گرایی است، به گونه‌ای که در زندگی هیچ‌گاه حاضر نشده‌اند در برابر خواست و فشار اصحاب قدرت از مواضع اصولی و توسعه‌ای خود دست بکشند.

بعنوان آخرین ویژگی مشترک آنان نیز می‌توان گفت که هر دو در ابراز نظرات و دیدگاههای خود، منتقدانی منصف نسبت به وضع موجود، دیدگاههای مخالف و حاکمان بوده‌اند و هیچ‌گاه باز دایره فروتنی، خویشتن‌داری، فراخ‌سینگی و انصاف بیرون‌نهاده‌اند.

### ۳- فشرده‌ای از دیدگاه سن در زمینه توسعه

چنان که گفته شد، یکی از دیدگاههای تازه در زمینه توسعه، رویکرد آمار تیا سن است: «توسعه به مثابه آزادی». این رویکرد با در نظر گرفتن همه رویکردهای پیشین در زمینه توسعه، مفهومی تازه از توسعه به دست می‌دهد؛ تعریفی که گسترش مفهوم آزادی و کرامت و توانمندیهای انسانی در آن نقش محوری دارد. آسن معتقد است برای چیره شدن بر مشکلاتی که جوامع کنونی با آن دست به گریبانند، باید به نقش آزادی‌ها از جنبه‌های گوناگون پرداخت و توانمندیهای انسانی باید محور برخورد با محرومیت‌ها باشد. از دید آمار تیا سن، گسترش آزادی (به معنای فراگیر آن)، هم هدف و هم ابزار اصلی توسعه است. گونه‌های آزادی از نظر او عبارت است از آزادی‌های سیاسی، امکانات و تسهیلات اقتصادی، فرصت‌های اجتماعی، تضمین شفافیت و نظام حمایتی مناسب. او مایه تحقق این آزادیها را

### نمودار ۲ - گسترش آزادی‌ها بر ۵ محور



به عبارت بهتر ابزاری است برای افزایش فرصتها و امکانات آزادی. در این دیدگاه به جای آنکه بپرسیم ثروت یا درآمد مردمان چه اندازه است، می‌پرسیم چگونه زندگی می‌کنند و تا چه اندازه فرصت و امکان آزادی دارند و زندگی دلخواه آنان چیست؟ و بی‌گمان ثروت و درآمد نیز از ابزارهای گسترش این آزادیها است. از سوی دیگر، این آزادیها مکمل یکدیگر نیز هستند: آزادیهای سیاسی به امنیت اقتصادی کمک می‌کند و فرصتهای اجتماعی، مشارکت اقتصادی را ممکن می‌سازد.

از دید سن، دیدگاه آزادی-محور در واقع بر شیوه زندگی انسانها متمرکز می‌شود، نه بر مقدار درآمد شخص. از این رو اگر توجه ما از تمرکز محدود بر دستیابی به درآمد بر تمرکز جامع بر محرومیت از توانمندیها و امکانات تغییر کند، به درک بهتری از فقر، زندگی انسانی و آزادیها برحسب پایه‌های اطلاعاتی گوناگون خواهیم رسید. برداشت آزادی-محور از اقتصاد و فرایند توسعه بیشتر دیدگاهی عام‌گراست. افراد با برخورداری از فرصت‌های اجتماعی کافی، می‌توانند به گونه مؤثر سرنوشت خود را رقم زنند و به یکدیگر کمک کنند. لذا آنان را نباید عناصر منفعلی پنداشت که از میوه‌های توسعه بی‌بهره‌اند.

در رویکرد «توسعه به مثابه آزادی»، توسعه عبارت است از برخورداری از آزادیهای ۵ گانه (آزادیهای سیاسی، امکانات و تسهیلات اقتصادی، فرصتهای اجتماعی، تضمین شفافیت و تأمین اجتماعی) و رسیدن به يك زندگی دلخواه و آزاد. به سخن دیگر، توسعه عصاره امکانات آزادی است.

در رویکرد «توسعه به مثابه آزادی» بعنوان يك رویکرد سیستمی، استراتژی کلی و اصلی، گسترش آزادیها و امکانات آزادی و ایستادگی در برابر ناآزادیهاست و دیگر استراتژیها و سیاستهای فرعی در جهت حرکت به سوی تأمین آزادیهای پنج‌گانه تبیین شدنی است. شمای کلی این دیدگاه را می‌توان به گونه زیر به دست داد:

### ۱- دیدگاه عظیمی در زمینه توسعه

از نگاه دکتر عظیمی «توسعه فرایندی است که طی آن باورهای فرهنگی، نهادهای اجتماعی، نهادهای اقتصادی و نهادهای سیاسی به صورت بنیادی متحول می‌شوند تا متناسب با ظرفیت‌های شناخته شده جدید شوند و طی این فرایند سطح رفاه جامعه ارتقاء می‌یابد». ۳ به سخن دیگر،

● مقوله آموزش در اندیشه شادروان عظیمی برجستگی ویژه داشت زیرا وی هم تحول فرهنگی را در گرو آموزش توسعه‌ای (باتأکید بر آموزش ابتدایی) می‌دید و هم ساختن انسانهای کارآمد، کاردان و نوآوران را جز با اجرای برنامه‌های آموزش توسعه‌ای مقدور نمی‌دانست.

توسعه می‌داند. (نمودار ۲)

از دید آمارتیا سن، بی‌گمان آنچه ارزشمند است، برخورداری از زندگی طولانی و خوب (نه زندگی آکنده از بدبختی و در سایه نبود آزادی) است که در آن راه‌پهروزی و پیشرفت بزرگان بسته نباشد. او به پیروی از ارسطو می‌گوید ثروت غایت تلاش انسان نیست، بلکه غایت تلاش انسانی برخورداری از عزت و کرامت است. ثروت و درآمد ابزاری است برای برخورداری از آزادیهای بیشتر در راه رسیدن به زندگی دلخواه. بنابراین در رویکرد «توسعه به مثابه آزادی»، از همان آغاز، از مسئله توسعه و توسعه نیافتگی و نوع نگاه به مشکلات جوامع و چگونگی از میان بردن آنها سخن به میان می‌آید. سن بر آن است که توسعه هنگامی رخ می‌نماید که عناصر بنیادی ضد آزادی از میان برود: تنگدستی و ستم، نبود فرصت‌های اقتصادی کافی، محرومیت نظام‌مند اجتماعی، کمبود امکانات عمومی و سختگیری یا دخالت بیش از اندازه دولت‌های سرکوبگر. وجود هر يك از اینها به معنی نبود آزادی و به معنی توسعه نیافتگی است. به عبارتی توسعه نیافتگی معادل ناآزادی است.

### ناآزادی = توسعه نیافتگی

بنابراین، بار دیگر بر این نکته تأکید می‌شود که در این دیدگاه بحث توسعه بسیار فراتر از بحث توسعه اقتصادی صرف است و با تعریفی که از آزادی می‌شود، آزادی (به معنای فراگیر آن) هم ابزار توسعه است و هم هدف توسعه، و همه چیزهایی که در مقوله پیشرفت‌های اقتصادی، صنعتی شدن، افزایش درآمد سرانه و... عنوان می‌شود در واقع ابزاری است در راستای افزایش آزادیهای انسان و

## نمودار (۳) - رویکرد «توسعه به مثابه آزادی»

مشکلات کلیدی عمومی	محوریت اصلی برنامه توسعه	انواع آزادیها بعنوان ابزارهای توسعه	هدف توسعه
- درصد بالای فقر - محرومیت و گرسنگی - بی توجهی به آزادیهای سیاسی و اجتماعی - پائین بودن بهره‌وری - ...	- گسترش انواع آزادی - عزت و کرامت انسانی - تولید و ارتقاء قابلیت‌های انسانی	- آزادیهای سیاسی - امکانات و تسهیلات اقتصادی - فرصتهای اجتماعی - تضمین شفافیت - نظام حمایتی	تحقق آزادیها و برخورداری از زندگی دلخواه و با عزت مبتنی بر هویت فرهنگی هر جامعه

که «پیش از اینکه از برنامه توسعه حرف زد باید ابتدا توسعه را معنا کرد و مفهوم دقیق آن را دریافت». <sup>۷</sup> توسعه چیزی جز افزایش دامنه‌گزینه‌های انسان نیست و بر این پایه، سن فرایند گسترش آزادی‌های انسان و افزایش دامنه‌گزینه‌های او را پیشرفت در راه توسعه یافتگی می‌داند و توسعه را به برخورداری انسانها از زندگی دلخواه تعبیر می‌کند. اگر بر همین قیاس گذری تاریخی بر دیدگاههای عظیمی داشته باشیم می‌بینیم که در آغاز، با همه تأکید ویژه و پررنگی که بر نیروی انسانی دارد، نگاه او به انسان، از اهمیت بی‌بدیل انسان در فرایند تحقق توسعه اقتصادی اثر می‌پذیرفته است؛ به سخن دیگر، با وجود محوریت قائل شدن برای نیروی انسانی و توسعه انسانی، باز نگاه او به انسان گاهی ابزاری بوده است. ولی رفته رفته در نوشته‌های او گرایش از تأکید

توسعه «بازسازی تمامی نهادهای یک جامعه بر اساس یک اندیشه و شناخت محوری جدید است». <sup>۴</sup> بنابراین از دید عظیمی تحقق توسعه نیازمند بازسازی نهادی و مهندسی دوباره همه جنبه‌های زندگی شامل جنبه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... است. دکتر عظیمی توسعه اقتصادی را یک بعد از توسعه، و فصل مشترک کشورهای توسعه یافته را «تحوّل مبانی علمی-فنی تولید از وضعیت سنتی به وضعیت مدرن» <sup>۵</sup> می‌داند. او بر این باور است که نگاه به توسعه و نسخه‌های تجویزی آن باید در چارچوب قانون‌مندیهای علم توسعه باشد؛ به سخن دیگر، توسعه را فرایندی علمی می‌داند که قانون‌مندیهای آن برای کشورهای گوناگون یکسان، اما روشها و الگوهای آن برای کشورها متفاوت خواهد بود.

دکتر عظیمی با اشاره به پایین بودن بهره‌وری عامل‌های تولید بویژه نیروی کار در کشورهای در حال گذار، می‌گوید «توسعه نیافتگی یعنی مشقت زیاد و تلاش فراوانی که عملاً به شکست می‌انجامد و یا به نتیجه‌ای بسیار محدود می‌رسد». <sup>۶</sup>

دستاوردها اندک + رنج و تلاش بسیار = توسعه نیافتگی

## ۵- نزدیکی آرای سن و عظیمی

جوهره فکری و آرای این دو اندیشمند همانندیهای بسیار دارد:

## ۱- مفهوم توسعه

چنان‌که پیشتر گفته شد، نخستین گام در مباحث توسعه بر نام‌ریزی توسعه، به دست دادن سیمایی روشن از هدف و مفهوم توسعه است. دکتر عظیمی نیز مانند سن بر آن است

● در کنار برجستگی علمی و دیگر توانمندیهای آمارتیا سن، یکی از ویژگی‌هایی که او را از دیگر اقتصاددانان در حوزه فقر و رفاه اجتماعی متمایز می‌سازد این است که او خود در جامعه‌ای آکنده از تنگدستی و نابرابری زاده شده و با همه وجودنداری و محرومیت‌رالمس کرده است و همین، باعث شده است که شناخت بهتری از مفاهیمی چون فقر و عدالت اجتماعی داشته باشد. همین شرایط را دکتر عظیمی نیز داشت؛ او زاده کویر بود و در سراسر زندگی تنگدستی را سخت آزموده بود.

ویژه بر توسعه اقتصادی، به نگاهی بازتر و فراگیر تر به توسعه برجستگی می‌یابد بگونه‌ای که در واپسین سالهای زندگی، دیدگاه‌های او به نگاه سن که فرایند گسترش آزادیهای انسانی و کرامت انسانی را هم ابزار و هم هدف توسعه می‌داند نزدیکتر می‌شود.

عظیمی در همین راستا می‌گوید: «راه توسعه را خود مردم پیدا می‌کنند و کسی حق ندارد به‌عنوان حکومت راه توسعه را به مردم تحمیل کند. دولت فقط وظیفه دارد که ابزار ممکن را برای مردم مهیا کند.»<sup>۸</sup> از نظر روش‌شناسی توسعه، نمی‌توان به هدف و روش (ابزار) نگاه‌هایی انتزاعی و جداگانه داشت؛ باید الزامات، اقتضات و جوهره‌های هدف در روش ملحوظ و پرننگ باشد. از نقاط قوت رویکرد سن، همین پیوند ناگسستنی و زیبایی ابزارها و هدف توسعه است. دیدگاه‌های عظیمی هم در همین مسیر بود به گونه‌ای که آشکارا می‌گوید «هنوز بعضی این را نفهمیده‌اند که هدف و روش به هم وصل است.»<sup>۹</sup>

چنان که گفته شد، عظیمی معتقد است اگر آزادی عمل به انسانها داده شود، در راه ساختن زندگی دلخواه خود گام بر خواهند داشت یا به تعبیر او «توسعه در تمدن حاضر متکی بر خلاقیت تک‌تک انسانها و سرمایه انسانی است. توسعه متکی بر این است که فضای ایدئولوژیک برابری و آزادی و فضای علمی و کاربردی برای خلاقیت، کار و تلاش انسانی وجود داشته باشد و بدون این چنین سرمایه انسانی و بدون ایجاد این چنین فضاهای زندگی برای مردم، تحقق توسعه ممکن نیست.»<sup>۱۰</sup> یا در جای دیگری می‌گوید «هیچ چیز به اندازه این که باور کنیم انسان موجودی زنده است و فکر می‌کند در ایجاد توسعه نقش ندارد. باید بپذیریم که اگر او آزاد باشد قله توسعه را فتح می‌کند.»<sup>۱۱</sup>

توسعه اقتصادی سخن می‌گوید، نخست بر انسانهایی که ذهن و نگرششان دگرگون شده باشد انگشت می‌گذارد.<sup>۱۲</sup> نگاه محوری حسین عظیمی در بحث فرصت‌های اجتماعی و افزایش توانمندیهای انسانی، معطوف به آموزش (آنهم آموزش توسعه‌ای) است. مقوله آموزش در اندیشه شادروان عظیمی برجستگی ویژه داشت زیرا وی هم تحول فرهنگی را در گرو آموزش توسعه‌ای (با تأکید بر آموزش ابتدایی) می‌دید و هم ساختن انسانهای کارآمد، کاردان و نوآور را جز با اجرای برنامه‌های آموزش توسعه‌ای مقنور نمی‌دانست. آموزش توسعه‌ای، هم «آموزش معطوف به انتقال دانش و فن نوین به بطن هسته فعالیت‌های تولیدی جامعه است»<sup>۱۳</sup> و هم آموزشی است که آموزه‌های فرهنگی توسعه (مواردی چون قانون‌پذیری، نظم‌پذیری، احترام به حقوق دیگران، فراع‌سینگی، مشارکت‌جویی و پرهیز از تکروی و...) را در دانش‌آموز نهادینه می‌کند. بنابراین، ایجاد و افزایش توانمندیهای انسانی، ضامن تحقق و گسترش سریعتر آزادیها و تیز‌یاب‌داری توسعه خواهد بود و «هدف برنامه توسعه [باید] کمک به شکوفایی خلاقیت‌ها و نوآوری‌ها»<sup>۱۴</sup> باشد.

### ۳-۵ دولت و بازار

سن و عظیمی هر دو قائل به آمیزه‌ای خردمندانه از دولت و بازار هستند و معتقدند که دولت و بازار هر یک باید جای واقعی خود را در اقتصاد داشته باشد و تناسب میان آنها به درجه‌کاری هر فعالیت اقتصادی یا اجتماعی بستگی دارد. عظیمی مانند سن معتقد بود که «اقتصاد نباید دولتی باشد اما دولت نیز نباید از مردم غافل شود».<sup>۱۵</sup> او آشکارا بر نقش کلیدی و مؤثر دولت در فرایند توسعه اقتصادی

بنابراین، نگاه این دو اقتصاددان به توسعه، نگاهی دوستانه، نرم‌افزاری و اخلاقی به توسعه است؛ به سخن دیگر، نگاهی انسان‌گرا و آزادی‌محور به توسعه.

### ۲-۵ توانمندی

ایجاد و گسترش توانمندیهای انسانی بعنوان ابزار کارا در فرایند توسعه و نیز بعنوان هدف توسعه، از برجسته‌ترین نکات در اندیشه آمارتیا سن است. او رشد توانمندیهای انسانی را در هر یک از آزادیهای ابزاری پنج‌گانه جستجو می‌کند. در دیدگاه‌های عظیمی هم به اندازه‌ای کمتر می‌توان همین خط را دید. هنگامی که او از

● سن معتقد است برای چیره شدن بر مشکلاتی که جوامع کنونی با آن دست به گریبانند، باید به نقش آزادی‌ها از جنبه‌های گوناگون پرداخت و توانمندیهای انسانی باید محور برخورد با محرومیت‌ها باشد. از دید آمارتیا سن، گسترش آزادی (به معنای فراگیر آن)، هم هدف و هم ابزار اصلی توسعه است.

● سن بر آن است که عنصر راهگشای توسعه را باید در فرهنگ هر جامعه جست، زیرا از دید او همه فرهنگ‌ها این استعداد و توانمندی را در درون خود دارند که بتوانند بستر و تکیه‌گاه توسعه قرار گیرند. یکی از محورهای اصلی بحث دکتر عظیمی در زمینه توسعه اقتصادی نیز فرهنگ و فرهنگ مناسب توسعه است. از دید او، رسیدن به توسعه اقتصادی، بی‌چون و چرا نیازمند هویت مستقل فرهنگی است. نکته مهم این است که عظیمی نیز همچون سن هیچ‌گاه از جایگزینی فرهنگ خودی با فرهنگ غربی سخن نمی‌گوید و موشکافانه تأکید می‌کند که راهکار دگرگونی فرهنگی را باید در خود فرهنگ جستجو کرد و باید ویژگی‌های فرهنگی مناسب توسعه را از دل فرهنگ خود بیرون کشید و تقویت کرد.

است. نکته مهم این است که عظیمی نیز همچون سن هیچ‌گاه از جایگزینی فرهنگ خودی با فرهنگ غربی سخن نمی‌گوید و موشکافانه تأکید می‌کند که راهکار دگرگونی فرهنگی را باید در خود فرهنگ جستجو کرد و باید ویژگی‌های فرهنگی مناسب توسعه را از دل فرهنگ خود بیرون کشید و تقویت کرد. بر سر هم، هر دو با انگشت گذاشتن بر نقش فرهنگ در توسعه تأکید دارند که هر جامعه باید بر پایه توانمندیها و هویت مستقل فرهنگی خود راه توسعه خویش را بییابد و تحقق آزادیهای پنج‌گانه را نیز در بستر فرهنگ بومی ممکن می‌دانند. به سخن دیگر، هر دو منادی بازگشت به خویش‌اند و راه برون‌رفت از توسعه‌نیافتگی را تکیه‌زدن بر هویت فرهنگی خویش می‌دانند.

شده ترسیم آینده بر پایه «آینده‌نگری»، نه «پیش‌بینی»

دیدگاه سن و عظیمی در برنامه‌ریزی توسعه دیدگاهی

انگشت می‌گذاشت و معتقد بود که «افتخار توسعه یافتگی نصیب دولت‌هاست؛ باید عدالت عقب‌ماندگی را نیز در آنجا جستجو کرد.»<sup>۱۶</sup> او شش مؤلفه را برای دولت یا حکومت لازم می‌دانست:<sup>۱۷</sup>

- ثبات ساختاری
- نقش‌پذیری علمی
- ماهیت توسعه‌ای
- پاسخ‌گویی مدنی
- شایستگی اجرایی
- جایگاه متناسب بین‌المللی

وی با تمایز قائل شدن میان حکومت‌های مقتدر (به لحاظ توسعه‌ای) و حکومت دولت‌سالار، میزان اقتدار حکومت را در درجه کارایی دخالت‌هایش می‌دانست و ساختار سیاسی دولت‌سالار که اصالت انسانی را باور ندارد و حوزه دخالت خود را بسیار وسیع می‌داند، رد می‌کرد.<sup>۱۸</sup>

نظام حمایتی، از موارد دخالت دولت در زمانی است که تأمین امنیت، سلامت و کمترین نیازهای اساسی زندگی برای شهروندان ضرور می‌نماید. از این رو وجود نظامی که تهدیدهای گوناگون طبیعی و اجتماعی را بی‌اثر سازد، لازم است. دکتر عظیمی ضمن تأکید بر نقش دولت در ایجاد امنیت می‌گوید «سلامت ما و سلامت تک‌تک آحاد این جامعه در گرو حمایت سریع و وسیع از این توده عظیم انسانی است» و «لازم است که برنامه‌های توسعه کشور بر اساس وضعیتی متعادل از افزایش تولید و رسیدگی به محرومان استوار شود».<sup>۱۹</sup> بنابراین سن و عظیمی قائل به آزادیهای اقتصادی در کنار تأمین حداقل نیازهای اساسی زندگی بودند. در همین راستا هر دو به پیروی از آدام اسمیت، در کنار تقدیس «نفع شخصی» به حضور عنصر «اعتماد» در نظام بازار و مبادله و معامله تأکید داشتند و بویایی و سلامت نظام بازار را در گرو همراهی و همگامی این دو عنصر می‌دانستند.

#### ۴-۵ خودباوری و الگوی بومی توسعه

سن بر آن است که عنصر راهگشای توسعه را باید در فرهنگ هر جامعه جست، زیرا از دید او همه فرهنگ‌ها این استعداد و توانمندی را در درون خود دارند که بتوانند بستر و تکیه‌گاه توسعه قرار گیرند. یکی از محورهای اصلی بحث دکتر عظیمی در زمینه توسعه اقتصادی نیز فرهنگ و فرهنگ مناسب توسعه است. از دید او، رسیدن به توسعه اقتصادی، بی‌چون و چرا نیازمند هویت مستقل فرهنگی

معطوف به (وضع موجود)».

یکی از دلایلی که دکتر عظیمی با برنامه پنج ساله دوم توسعه که الگوی کلان اقتصادسنجی داشت مخالف بود، این بود که برنامه دوم مبتنی بر پیش‌بینی بود. بر سر هم، در تدوین برنامه‌های توسعه در ایران بیشتر «پیش‌بینی» حاکم بوده است تا «آینده‌نگری». رویکرد آزادی-محور سن آینده‌نگری را در برنامه‌ریزی توسعه دیکته می‌کند.

### عش- نهادگرایی و مردمسالاری

در آثار این دو استاد و نگاه سیستمی آنها به توسعه، نهادگرایی جایی ویژه دارد. بی‌نهادسازی و توسعه‌ای کردن نهادهای موجود، امکان گسترش آزادیها و پیگیری کارویژه‌های توسعه‌ای ناممکن است. نهادهایی چون دولت، بازار، جامعه مدنی و... باید در جای واقعی خود باشند تا بتوانند همخوان با وظیفه خود و با رابطه‌ای تعاملی در مسیر توسعه نقش بازی کنند.

از دید سن، با نگاه ابزاری، آزادی و حقوق مدنی عنصری مهم در تدوین و اجرای سیاست‌های اقتصادی است. به سخن دیگر، باید به مردمسالاری به سبب اهمیت مستقیم آن در افزایش توانمندیها، نقش ابزاری آن در بالا بردن میزان شنوایی حاکمیت و نقش نهادی آن در

● سن بر آن است که توسعه‌هنگامی رخ می‌نماید که عناصر بنیادی ضدآزادی از میان برود: تنگدستی و ستم، نبود فرصت‌های اقتصادی کافی، محرومیت نظام‌مند اجتماعی، کمبود امکانات عمومی و سختگیری یادخالت بیش از اندازه دولت‌های سرکوبگر. وجود هر یک از اینها به معنی نبود آزادی و به معنی توسعه نیافتگی است.

مبتنی بر «آینده‌نگری» است. آینده‌نگری شیوه‌ای فعال است، اما پیش‌بینی روشی منفعل؛ آینده‌نگری آمیخته با بی‌بروایی است، پیش‌بینی محتاطانه است؛ در آینده‌نگری جای دیده‌بانی ما در آینده است، در پیش‌بینی جای دیده‌بانی ما در زمان حال است؛ در چارچوب آینده‌نگری، متناسب با هدف، در جستجوی ابزارها و فراهم کردن زمینه‌های لازم هستیم، اما در نگاه مبتنی بر پیش‌بینی، متناسب با وضع موجود، در جستجوی ابزارها هستیم. به سخن دیگر، در آینده‌نگری نگاه ما معطوف به «هدف» است و در پیش‌بینی

### نمودار (۴) - نکات مشترک در دیدگاه‌های آمارتیا سن و حسین عظیمی پیرامون توسعه

- نگاه دوستانه، نرم‌افزاری و اخلاقی به توسعه
- نگاه انسان‌گرا و آزادی-محور به توسعه
- تأکید بر تقویت توانمندیهای انسانی
- نگاه سیستمی به توسعه
- تأکید بر همبستگی هدف و روش
- قائل بودن به آزادی اقتصادی در کنار تأمین حداقل نیازهای اساسی زندگی
- بازگشت به خوشبختی: برون رفت از توسعه نیافتگی با تکیه زدن بر هویت فرهنگی خویش ممکن است.
- ترکیب خردمندانه دولت و بازار (با محوریت کارایی)
- برنامه‌ریزی بر پایه «آینده‌نگری»، نه «پیش‌بینی»
- تقدیس «نفع شخصی» در کنار «اعتماد» (شاگردان خوب اسمیت)
- تأکید بر مردمسالاری، بعنوان بستر تحقق توسعه
- نهادگرایی

در ادبیات رایج بویژه در گفتمان سیاسی مانند «آزادی سیاسی» یا «آزادی بیان» است. از دید سن «آزادی» مفهومی بسیار گسترده دارد و جنبه‌های گوناگون زندگی اقتصادی و اجتماعی و نیز سیاسی را دربرمی‌گیرد؛ به این معنا که دسترسی نداشتن به امکانات اقتصادی، منابع اقتصادی و فرصتهای مبادله و دادوستد در بازار آزاد و... به گونه‌ای سلب آزادی (با ناآزادی) شناخته می‌شود و تهیدستی و محرومیت و برخوردار نبودن از فرصتهای اجتماعی چون آموزش، شغل دلخواه و... از مصادیق نبود آزادی است.

۳. عظیمی، حسین، ایران امروز در آئینه مباحث توسعه، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۴۲.

۴. همان، ص ۹۲.

۵. عظیمی، حسین، مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران، نشر نی، ۱۳۷۱، ص ۱۰۹.

۶. «وضعیت اشتغال در ایران»، یاس نو، ۲۵ اردیبهشت ۸۲.

۷. عظیمی، حسین، ایران امروز در آئینه مباحث توسعه، ص ۹۲.

۸. گفتگو با دکتر عظیمی، همشهری، ۸۲/۳/۳.

۹. همان.

۱۰. ایران امروز در مباحث توسعه، پیشین، ص ۵۱.

۱۱. گفتگو با دکتر عظیمی، همشهری، ۸۲/۲/۲۵.

۱۲. عظیمی، حسین «فرهنگ آموزش و توسعه»، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۳۸، ۱۳۶۹.

۱۳. همان.

۱۴. هفته‌نامه خبری - تحلیلی (یادنامه دکتر عظیمی)، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، شماره ۱۸، اردیبهشت ۸۲.

۱۵. همشهری، ۲۶ اردیبهشت ۱۳۸۲، ویژه‌نامه دکتر عظیمی، مصاحبه با علی میرزایی

۱۶. هفته‌نامه خبری - تحلیلی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، پیشین.

۱۷. «راهی بسوی توسعه؛ دولت کارآمد و مقتدر»، همشهری، ۸۲/۲/۲۵.

۱۸. عظیمی، حسین، «توسعه اقتصادی و سیاست اقتصاد کشاورزی»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۷.

۱۹. مدارهای توسعه نیافتگی، پیشین، ص ۲۲۱.

۲۰. «راهی بسوی توسعه...»، پیشین.

۲۱. همان.

۲۲. همشهری، ۸۲/۲/۳.

۲۳. راه نو، شماره ۱۸، ۳۱ مرداد ۱۳۷۷.

۲۴. همان.

شناخت نیازها توجه کرد. بنابراین، سن ضمن تأکید بر اهمیت نقش ابزاری آزادی سیاسی در زمینه رشد و توسعه اقتصادی می‌گوید آزادی سیاسی خودبه‌خود از اهمیت برخوردار است. دکتر عظیمی نیز آشکارا از «حکومت پاسخگو» سخن می‌گوید و حتی می‌پذیرد که «کشورهایی که از تولید سرانه بالا برخوردارند به نحوی در سالهای دور این شعار را که توسعه به یک نظام سیاسی مدرن نیاز دارد عملی کرده‌اند». ۲۰ او بر مبنای نظری مشروعیت حکومت و پذیرش آن از سوی شهروندان نیز بر ابزارها و نهادهای مردم‌مسالاری چون احزاب، سازمانهای مستقل، تشکلهای سیاسی و صنفی و مانند آن تأکید دارد، ۲۱ و در همین راستا می‌گوید «گسترش علم و به‌کارگیری آن نیازمند بسیج تک‌تک انسانهاست، این اتفاق نمی‌افتد مگر در یک جامعه مدنی قوی که حقوق انسانها رعایت شود و امنیت و آزادی داشته باشند». ۲۲ بنابراین از دید این دو اندیشمند، عنصر مردم‌مسالاری بخشی جدانشدنی از حرکت به سوی توسعه‌یافتگی است و آزادیهای سیاسی در ذات خود سرچشمه ارزش و از ارکان اصلی فرایند توسعه است و نبود آن یکی از نشانه‌های توسعه‌نیافتگی است و همچنین، بعنوان یک نگاه ابزاری، بهره‌وری عوامل تولید نیز متأثر از محیطی است که بازیگران اقتصادی در درون آن تصمیم به سرمایه‌گذاری و مشارکت در عرصه فعالیت‌های اقتصادی می‌گیرند و توانمندیهای خود را در پهنه فعالیت‌های گوناگون به کار می‌برند. بنابراین به گفته دکتر عظیمی «توسعه اقتصادی بدون همراه شدن با نهادسازی جامعه مدنی اصلاً شدنی نیست». ۲۳ در نمودار ۴ فشرده‌ای از نکات مشترک در دیدگاههای آمارتیا سن و دکتر حسین عظیمی آمده است:

در پایان، این سخن دکتر عظیمی را یادآور می‌شویم که «اگر صاحب‌نظری از دست برود عصاره یک نسل از بین رفته است». ۲۴ این سخن به راستی در مورد خود او مصداق دارد، زیرا امرگش ضربه‌ای دیگر بود که بر فردای توسعه ایران فرود آمد. یادش گرمی و راهش پر رهرو باد.

## یادداشت‌ها

۱. سن، آمارتیا، توسعه به مثابه آزادی، ترجمه وحید محمودی،

انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.

۲. مفهوم «آزادی» در نوشته‌های سن متفاوت از مفهوم «آزادی»